

ایمان رسول گرامی ﷺ پیش از بعثت

سؤال: برخی از افراد، احتمال می‌دهند که پیامبر گرامی ﷺ، قبل از بعثت، فاقد ایمان بوده است، و دو آیه را دستاویز خود قرار می‌دهند:

آیه اول:

و تو مسلماً به سوی راه مستقیم هدایتی می‌کنی.

برخی جمله ﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ...﴾ را دستاویز خود قرار داده و می‌گویند ظاهر آیه این است که پیامبر پیش از بعثت نه از قرآن اطلاع داشت و نه از ایمان، و اگر مقصود از «ایمان» ایمان به خدا و مقدسات باشد، طبعاً مدعای آنها زنگ استدلال به خود خواهد گرفت.

﴿وَكَذَلِكَ أَوْخَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا تَهْدِي مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (۱)

همان گونه که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم بر تو نیز روحی را به فرمان خود، وحی کردیم. تو پیش از این نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم

پاسخ

پیش از آن که به تفسیر آیه پردازیم، نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱. آیه از نزول وحی بر پیامبر ﷺ سخن می‌گوید، در این جا این سؤال

مطرح می‌شود:

۴. پیامبر اسلام ﷺ از لحظه‌ای که از

شیر گرفته شد، زیر نظر بزرگ‌ترین فرشته الهی قرار گرفت، تا اخلاق و آداب نیک را بیاموزد. امیرمؤمنان علی رضی الله عنه درباره کودکی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وَلَقَدْ قَرَأَ اللَّهُ بِهٖ صَلَّى مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ
فَطِيماً أَغْظَمَ مَلِكٌ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهٖ
طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَمَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ
وَنَهَارُهُ»^(۱)

«از همان زمان که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر باز گرفته شد، خداوند بزرگ‌ترین فرشته از فرشتگانش را با او قرین ساخت، تا شب و روز او را به راه‌های فضیلت و اخلاق نیک رهبری نماید».

با توجه به این نکات چهارگانه به تفسیر آیه می‌پردازیم:

مقصود از واژه «روحاً» قرآن است و علت این که قرآن «روح» نامیده شده آن است که قرآن سبب حیات معنوی است، چنان که «روح» حیوانی مایه زندگی جانداران است. و در آیه «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ

اگر فردی پیش از نزول وحی، فاقد ایمان به خدا و مقدسات باشد، چگونه می‌تواند بار وحی الهی را به دوش بگیرد؟

آیا امکان دارد فردی چهل سال عمر خود را در ضلالت و گمراهی بگذراند، یک باره انقلابی در روح و روان او پدید آید و در جرگه رهبران آسمانی و پیام آوران الهی قرار گیرد و سراسر وجود او را نور احاطه کند؟

۲. چگونه می‌توان او را به چنین

تهدمی متهم کرد در حالی که او سالیان درازی قبل از بعثت برای تهجد و نیایش، به غار حرا می‌رفت و تمام ماه رمضان را در آنجا مشغول عبادت می‌گشت؟

۳. اگر او پیش از بعثت، فاقد ایمان

بود، باید مانند تمام مشرکان مکه بتی را بپرستد و در جرگه مشرکان قرار گیرد در حالی که او از همان دوران کودکی تا برسد به دوران بعثت، گرد بت نگردیده و بر بت سجده نکرد و لحظه‌ای با بت پرستی رابطه برقرار نساخت.

می دهد چیست؟!

۱. کتاب الهی (قرآن مجید) را که سراسر هدایت و نور است در اختیار او قرار می دهد، و به آن با کلمه «الکتاب» اشاره می کند.

۲. او را از شریعت و احکام الهی که نسخه سعادت است، آگاه می سازد و به آن با جمله «الایمان» اشاره می کند بنابراین مقصود، آموزش تفصیل کتاب و ایمان گسترده به شریعت و آیینی است که بر او فرستاده شده است و او از آن دو، به نحوی که بیان گردید آگاه گشت و در سایه وحی از هر دو آگاه شد و لذا مردم را به آن دو که عین صراط مستقیم است هدایت می کند.

نتیجه این که مقصود از کلمه «کتاب» تفصیل کتاب و مقصود از «ایمان» ایمان گسترده، به شریعت اوست که پیش از وحی به طور تفصیل از آن آگاه نبود، و این مطلب با ایمان قوی و نیرومند پیامبر پیش از بعثت به خدا و انبیای پیشین و شرایع آنان کوچک ترین منافاتی ندارد.

بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلِيُّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ^(۱)، «فرشتگان را با روح (وحی) بر هر کس از بندگان خود که بخواهد فرو می فرستد ...» به آن اشاره شده است.

صدر و ذیل آیه سه اثر برای نزول وحی بیان می کند:

۱. در سایه وحی، انقلابی در روح پیامبر پدید می آید و از کتاب و ایمان، آگاه می گردد، چنان که می فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْخَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ مِنَ الْكُتُبِ وَلَا الْإِيمَانِ».

۲. در سایه وحی، دیگران نیز هدایت می شوند، چنان که می فرماید: «وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوراً نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنَ عِبَادِنَا».

۳. پیامبر نیز در سایه این وحی، دیگران را هدایت می کند، چنان که می فرماید: «وَإِنَّكَ لَنَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

اکنون باید دید مقصود از «کتاب» و «ایمان» که وحی آن را در اختیار پیامبر قرار

ممکن است گفته شود: در کجای قرآن «ایمان» در مورد احکام و شریعت به کار رفته است؟

پاسخ آن این است که علاوه بر آن که در ایمان، عمل به شریعت نیز قید شده است، آیه مبارکه است: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾^(۱) «خدا هرگز ایمان - نمازهای شما را به سوی بیت المقدس - نادیده نخواهد گرفت». ایمان در این آیه به معنای عمل به شریعت است.

توضیح این که مسلمانان، مدت‌ها به سوی بیت المقدس نماز می‌گزاردند، سپس به عللی که در خود قرآن نیز بیان شده است دستور آمد که به سوی کعبه نماز گزارند. گروهی از این کار، دلگیر شدند و تصور کردند که با تغییر قبله، اعمال گذشته آنان، ضایع خواهد شد. قرآن مجید برای روشن کردن اذهان مسلمانان چنین فرمود:

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾
«هرگز خداوند ایمان شما (نمازهایی

که قبلاً خوانده‌اید) را ضایع نمی‌کند، خداوند مهربان و رحیم است».

آیه دوم:

خدا در سوره مبارکه «ضحی» می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ * وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ * وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ﴾^(۲)

«آیا ترا یتیم نیافت پس پناه داد و گمراه یافت پس هدایت کرد، نیازمند یافت، پس بی‌نیاز ساخت».

آیه ﴿وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ﴾ دستاویز کسانی قرار گرفته که پیامبر را پیش از بعثت فاقد ایمان می‌پندارند و ظاهر آن حاکی از این است که پیامبر در زمانی گمراه بود و بعداً مشمول هدایت الهی گردید.

پاسخ: گذشته از این که «ضال» به معنی «گمشده» و «گمنام» نیز می‌آید - و برخی از مفسران بر آنند که مقصود یکی از دو معنی است - بر فرض این که این مقصود «گمراه» باشد، مقصود و گمراهی ذاتی

۱. بقره/ ۱۴۶.

۲. سوره الضحی، آیه‌های ۸-۶.

است که از لوازم هر موجود ممکن است، زیرا ممکنات اعم از انسان و غیره در حد ذات، فاقد هر نوع کمال و هدایت می باشد سپس از جانب خدا، دارای کمال و هدایت می شوند.

حضرت موسی خدا را برای فرعون چنین معرفی می کند: ﴿الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^(۱)؛ «خدایی که آفرینش هر موجودی را به او داد، آنگاه آن را به هدفی که آفریده است هدایت کرد». نتیجه این که تمام ممکنات در حد ذات، «ضال» به معنی فاقد هدایت هستند و در پرتو الطاف الهی هدایت می یابند.

بنابراین «ضال» در آیه به معنی «کافر» و یا ضلالت و تاریکی که یک امر وجودی باشد نیست، بلکه فقدان هدایت ذاتی است که با هدایت از نخستین روزها کوچک ترین منافات ندارد. شاهد گفتار ما این است که آیه درباره دوران کودکی و جوانی پیامبر(یعنی در هر

حال پیش از بعثت او) سخن می گوید، یعنی روزی که او یتیم گردید و به گفته مورخان، وقتی او دیده به جهان گشوده، والد گرامی او «عبدالله» چند ماه قبل در یثرب، دیده از جهان بر بسته بود.

در چنین شرایطی پیامبر دارای صفات سه گانه بود:

۱. یتیم بود خدا به او پناه داد: ﴿يَتِيمًا فَآوَى﴾.
۲. فاقد هدایت بود، هدایت کرد: ﴿ضَالًّا فَهَدَى﴾.
۳. نیازمند بود بی نیاز ساخت: ﴿عَائِلًا فَأَغْنَى﴾.

طبعاً تمام این نعمت در دوران کودکی به وی اعطاء شده است در این صورت با آنچه که امیرمؤمنان درباره حضرتش فرمود کاملاً تطبیق می کند، فرمود از لحظه ای که او از شیر گرفته شد، بزرگ ترین فرشته مأمور هدایت او گردید.